



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۰۹/۱۶



دوکتور محمد عثمان تره کی

این بار مخاطب ما قوای مسلح افغانستان است!



شخصی با نام مستعار «پردیس سبکی خیل» پیام قوای مسلح افغانستان را به آدرس نویسنده حواله کرده است. من معمولاً متمایل نیستم با اشخاصی که هویت خود را پنهان میکنند، درب مشاجره راباز کنم. اما طرح سوالات حساسیت برانگیز در یک مقطع زمانی سرنوشت ساز، انگیزه شد که برداشت خود را از اوضاع با محترم پردیس سبکی خیل و هم فکran وی شریک بسازم بی آنکه این پرسش را مطرح کنم که پردیس کیست؟ از کجا هدایت میشود؟ و چه قصدی از طرح طومار طولانی سوالات خود دارد؟

برای حفظ بحث در چوکات جدیت و متانت به مقدمه نوشته پردیس که با کلانکاری بی ادبانه آغاز شده است، با اغماض میگذریم. در مجموع صرفاً به سوالاتی که زیاد ابلهانه نیست، ذیلاً پاسخ ارائه میشود.

۱ - نفوذ پاکستان از مجرای طالبان :

نگرانی از نفوذ پاکستان بدنبال دستیابی به نتیجه مذاکرات دوحه در آینده افغانستان منبع بزرگ نگرانی برای همه افغان ها است. طالبان در مذاکرات صلح در دو مورد اجندای پاکستان را تطبیق کردند: یکی موضعگیری از مسند امارت اسلامی (نه تحریک اسلامی طالبان) در پروسه صلح و دیگری شیوه خروج قوای خارجی.

الف - امارت اسلامی : ملا های وابسته به آی، اس، آی صرفاً با احیای امارت اسلامی به شیوه گذشته در آینده افغانستان اعمال نفوذ میتوانند. امارت اسلامی با شورای اهل حل و عقد که دران امور دینی و دنیوی از یک دست اداره شود، با نظام جمهوریت و انتخاب رهبر از طرف مردم سازگار نیست. دخالت مردم در تعیین رهبر دست شبکه های استخباراتی را در تاج بخشی کوتاه میسازد.

ب - شیوه خروج قوای خارجی: طالبان در شرایط جنگی که نیازمند کمک های لوژستیک، تسلیحاتی و سیاسی متحدین جنگی بخصوص پاکستان استند، نمیتوانند به مثابه یک قوت جنگی مستقل در رابطه به حضور نظامی امریکا و متحدین فیصله کنند. فیصله طالبان در مورد هرو مرو از منافع حامیان خارجی متأثر میشود و نهایتاً مصالح علیای افغانستان در حاشیه قرار میگیرد.

پاکستان که حضور نیروهای خارجی در افغانستان را منبع خطر برای امنیت خود میداند در جنگ ضد اشغال افغانستان شریک داعیه آزادیخواهی طالبان است. اکنون که طالبان با قربانی های حماسه آفرین، متجاوزین خارجی را به خروج از افغانستان مجبور ساخته اند، پاکستان از کلیه امکانات برای استفاده از سرمایه گذاری جنگی هژده ساله در آینده سیاسی افغانستان از طریق سپردن کنترل انحصاری نظام آینده بدست طالبان استفاده می نماید. یعنی در تلاش است تا از ثمره قربانی های مقاومت مسلح به سود خود بهره برداری کند. پاکستان نفوذ عناصر بیرون تحریک طالبان را در ساختار حکومتی آینده قرینه شکست ستراتیژیک در مقابله با هندوستان قیاس میکند. انضمام بخشی از کشمیر به هند، پاکستان را در استفاده افزاری از طالبان بیش از پیش مصمم، حریص و لجوج ساخته است.

اما اگر جهت حقوقی و اصولی قضیه را نگاه کنیم، طالبان علی الرغم کنترل بر بیش از نیمی از قلمرو افغانستان صلاحیت صدور فیصله را به نمایندگی از مجموع مردم افغانستان در رابطه به موضوعات بزرگ ملی ندارند. طالبان پس از کسب موافقت در پرنسیب خروج قوای خارجی، میباید کم و کیف و حواشی قضیه را به حکومت موقت آینده محول کنند. این حکومت بیطرف، مسلکی و وسیع البنیاد موظف است که موضوع را به رفرندوم یا لویه جرگه حواله نماید.

موضوعاتی چون جرایم جنگی، مطالبه خسارات جنگ، تداوی معلولین جنگ، واگذاری ساز و برگ نظامی به جانب افغانی پس از خروج قوا و ده ها موضوع دیگر بالوسيله یک حکومت ملی و ممثل راه حل و اقعینانه دریافت میکند نه در بحث های شمار محدودی از مشران مقاومت که از اعمال نفوذ شبکه های استخباراتی در شورای کوپته و مجالس دوحه متأثر اند.

۲- پیام قوای مسلح :

در پیام قوای مسلح از اینجانب نقل قول شده که: «صلح از چینل تسلیم شدن مشروط قوای مسلح به مقاومت مسلح میگذرد . . .». درین جا چند مطلب قابل ذکر است:

- قوای مسلح با ترکیب فعلی، برای پاسبانی منافع قوای اشغالگر شکل گرفته و طی ۱۸ سال تحت قومانده بیگانه، سیاست جنگی ائتلاف نظامی بین المللی را دنبال کرده راهی است. اردو، پولیس و امنیت ملی شریک جنایات جنگی قوت های اشغالگر قیاس میشوند. در میان اردو یک باند متأثر از عصبیت های قومی و عقیدوی (بقایای حزب دیموکراتیک پرچم و خاد) بشکل دوامدار جنایات تکان دهنده جنگی را بکمک خارجی مرتکب شده است.

طور مثال قطعه « صفر - دو » (مودل افغانی بلک واتر) که بدون کنترل اداره کابل زیر قومانده نظامیان و سی، آی، ای امریکا با بی مسئولیتی تمام، ویران میکند و خون میریزد، از همین ردیف اشخاص تشکیل شده است. بهانه این آدم کشی اردو مقابله با طالب به مثابه « ملیشیای پنجاب » است، بی آنکه به این واقعیت که خود نیز زیر قومانده امریکا درگیر برادر کشی است توجه کند.

طالبان انگیزه مشروع برای ادامه جنگ دارند. این انگیزه عبارت از دفع اشغال خارجی است. انگیزه مشروع بصورت قطع زیاده روی های جنگی شانرا توجیه نمیکند. بهر حال! این سوالات را که داعیه خود را به چه قیمتی به کمک متحدین جنگی خارجی به جلو میبرند؟ توقع حامیان خارجی از آنها در پایان جنگ چیست؟ و پیمانہ تخلف طالبان از قوانین جنگ بکدام اندازه است؟ به جایش میگذاریم. سوال کلیدی از اردوی افغانستان اینست که انگیزه شما برای ادامه این برادر کشی به قومانده خارجی چیست؟ از که و از چه دفاع میکنید؟

واقعیت تلخ اینست که قوای مسلح افغانستان در موضع دفاع از یک نظام مزدور، متقلب، فاسد و سارق که بقای خود را در استمرار خونریزی و دشمنی با صلح میبیند، قرار دارد. دفاع از حقوق زن و دیموکراسی در حال کوما که اردو هر چند گاهی آنرا برای توجیه جنگ خود با مقاومت مسلح بکار میگیرد، به هیچ وجه کشتار روزمره بیش از ۵۰۰ نفر را از هر دو طرف توجیه نمیتواند.

پاکستان در طول چهل سال منبع بسیاری جنجال‌ها برای افغانستان بوده است. پاکستان همین اکنون با استفاده از مصروف نگاهداشتن اردوی افغانستان در جنگ ضد طالب، بر خط دیورند تصرف مالکانه کرده. ده ها کیلومتر خاک افغانستان را در قبضه درآورده و باران راکت‌های خود را در کنر چالان نگاهداشته است. این برای قوای مسلح افغانستان ننگ است که به عوض تمرکز در جنگ با تجاوز پاکستان خود را درگیر برادر کشی در داخل افغانستان ساخته است. در افغانستان هر دو طرف جنگ جنایات تکان دهنده را مرتکب شده اند. با اینهمه هر گاه در موضع مقایسه قرار بگیریم به مشکل میتوان عمق جنایات قوای مسلح و حامی خارجی اش را با الفاظ بیان کرد. هیچ کسی از افزون بودن تلفات ملکی از طریق استفاده از اسلحه ثقیل که در اختیار حکومت است به مقایسه سلاح خفیف که مورد استفاده طالبان است، انکار کرده نمیتواند.

با اینهمه منافع افغانستان تقاضا میکند که تا حد امکان تمامیت اردو حفظ شود و سلامت آن در میدان قمار برد و باخت میان طالب و امریکا قرار نگیرد. این امر ایجاب جستجوی شیوه های همکاری و آمیزش قوای مسلح را با مخالفین در میدان های جنگ مینماید. یگانه راه واقعینانه و معقول برای نجات اردو از قهر و غضب طالب، تسلیم شدن مشروط قطعات نظامی به طالبان در میدان های جنگ است. به این منظور در جریان مذاکرات میتوان از تشکیل کمیته های مختلط نظامی صحبت کرد که وظیفه تأمین امنیت را در مجموع قلمرو ملی بدوش بگیرند.

شروط تسلیم شدن قوای مسلح به مقاومت طالب که همزمان با پیشرفت مذاکرات مطرح میشود، میتواند چنین باشد:

- ویران ساختن پل استحکام جنگی « طالب - پنجاب » در عقب جبهه

- قطع رابطه با کلیه گروه های افراطی بشمول القاعده

- قبول ارزش های زندگی معاصر چون انتخابات، حقوق بشر و حقوق زن که با روحیه اسلام واقعی هم آهنگ باشد. امریکا از ۲۰۱۴ به این سو با انتقال مسئولیت های امنیتی از قشون خارجی به قوای مسلح افغانستان، قسماً بار جنگ را بدوش افغان ها گذاشته است: امریکا در طی هژده سال برای حفظ تعادل قوای جنگی و استمرار جنگ به هر دو طرف منازعه کمک اقتضایی کرده است. تکنیک جنگی نظامیان امریکا درگیر ساختن افغان ها در یک جنگ فرساینده بی پایان است. به همین دلیل به گفته یکی از رهبران مقاومت هرباریکه مذاکرات با امریکا به پایان نزدیک شده، طرف امریکا آنرا ویتو نموده است. از وقت تصدی ریاست جمهوری اوباما تا کنون یعنی حکومت ترمپ سه بار پایان موفقیت آمیز مذاکرات با بهانه تراشی امریکا مواجه شده است. این جریان ما را به این نتیجه میرساند که مشتعل نگاهداشتن جنگ بین الافغانی و نظاره آن از دور، از غندی خیر یک پروگرام دقیق، حساب شده و هدفمند است که از مفاد آن تنها امریکا و متحدین بهره میگیرند.

اگر تحلیل ایدیولوژیک چپ محور را که مدعی است نظام سرمایه داری اشتعال آتش جنگ را در کنج و کنار جهان ضرورت بکار افتادن چرخ اقتصاد میداند، کنار بگذاریم، به فرسایش کشیدن جنگ افغانستان پلانی است که تقریباً دو

دهه روی آن کار شده است. این پلان به تحلیل بردن نیرو های زنده و فعال جامعه ما را نشانه گرفته است. با حذف فزیک نسل جوان و متعهد به دفاع از وطن در جنگ بین الافغانی (طالب و اردو هر یک با تعبیر اختصاصی خود از دفاع) راه برای بلعیدن یک کشور از نفس مانده که برای نان و امنیت خود دست تکدی را به سوی قوای اشغالگر دراز بکند، کشوده میشود.

جنگ با طالب به پیمانہ جنگ با امریکا به ضرر ما است. به شرط آنکه قوای مسلح افغانستان مسیر آینده خود را در برادری با مخالفین جستجو کند و امریکا از خر لجاجت پائین شود و خود را ملزم به رعایت قواعد بازی بداند. «پایان»

**** * * * * *

این بار مخاطب ما قوای مسلح افغانستان است!
Osman_taraki_۶۱_inbar_mokhatab_ma_qowaaye_mosalast.pdf

